



دانش ارتباطات خنثی نیست/ حکمت متعالیه، فلسفه ارتباطات ندارد

خسروپناه گفت: چهار دسته فلسفه مضاف به امور در حکمت متعالیه وجود دارد اما چیزی به عنوان فلسفه ارتباطات در حکمت متعالیه پیدا نمی‌شود. در حکمت مشاء، اشراق و حتی نوصدرایی هم چنین چیزی دیده نمی‌شود.

خسروپناه گفت: چهار دسته فلسفه مضاف به امور در حکمت متعالیه وجود دارد اما چیزی به عنوان فلسفه ارتباطات در حکمت متعالیه پیدا نمی‌شود. در حکمت مشاء، اشراق و حتی نوصدرایی هم چنین چیزی دیده نمی‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، روز گذشته، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه، سالن آمفی تئاتر دانشکده صدا و سیما میزبان همایش «اسفار مجازی؛ ارتباطات نوین» بود؛ این همایش به همت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و به مناسبت روز جهانی ارتباطات برگزار شده بود.

این همایش یک روزه، دو پنل تخصصی داشت که عبدالحسین خسروپناه، رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، سخنران پنل دوم بود و درباره ارتباطات از منظر اندیشه‌های صدرایی سخنرانی کرد.

خسروپناه در ابتدای بحث خود به دو مقدمه اشاره کرد و گفت: در مورد فلسفه ارتباطات از دیدگاه ملاصدرا باید دو نکته را در نظر گرفت: اول اینکه فلسفه علم ارتباطات مثل سایر فلسفه‌های مضاف دانش درجه دوم است و رابطه علوم ارتباطات با سایر علوم را توصیف می‌کند، مثل فلسفه فیزیک، روانشناسی و ... که مضاف به علوم دیگر هستند، اما فلسفه ارتباطات یا رسانه، فلسفه مضاف به امور هستند به این معنا که به هستی‌شناسی مضاف‌الیه می‌پردازند. به عبارتی فلسفه ارتباطات هستی‌شناسی رسانه یا ارتباطات است.

وی افزود: نکته دوم بنده در مقدمه بحث این است که حکمت اسلامی از جمله حکمت متعالیه ملاصدرا و شارحان آن از علامه طباطبائی به بعد، به چهار بحث کلیدی پرداختند که ساختار فلسفه اسلامی هستند و عبارتند از: فلسفه هستی، فلسفه نفس، فلسفه معرفت و فلسفه واجب تعالی؛ یعنی چهار دسته فلسفه مضاف به امور را در حکمت متعالیه می‌بینیم اما چیزی به عنوان فلسفه ارتباطات در حکمت متعالیه پیدا نمی‌شود نه فقط در این حکمت در حکمت مشاء، اشراق و حتی نوصدرایی هم چنین چیزی دیده نمی‌شود.

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ادامه داد: ارتباطات با مباحث زبان‌شناسی پیوند محکمی دارد. علما مباحث زبان‌شناسی را در مباحث الفاظ علم اصول طرح کردند. در فلسفه اسلامی بحث ادراک و معرفت شده است اما از معنا صحبتی نشده است. معنای معنا را در علم اصول می‌بینید نه در فلسفه. اگر بخواهیم بحث ارتباطات را به ملاصدرا نسبت بدهیم، تحمیل بر آرای ایشان است چون ایشان چیزی به نام فلسفه ارتباطات ندارد و لیکن مبانی هستی‌شناختی جزو حکمت متعالیه است و کاربری‌های در ارتباطات می‌توانند داشته باشند.

خسروپناه در ادامه این بحث اضافه کرد: می‌توانیم آثار ملاصدرا را استنتاج کنیم به حکمت صدرایی و مباحث مبانی حکمت صدرایی را به کار بگیریم. به عبارتی بحث ارتباطات را به حکمت صدرایی عرضه کنیم و مباحث مبانی فلسفه ملاصدرا را در بحث ارتباطات به کار بگیریم. نکته مهم در این بخش این است که این کار را ملاصدرا انجام نداده است اما ما می‌توانیم این کار را انجام دهیم و لازم نیست فقط به اسفار او تکیه کنیم. از سایر آثار وی مثل شرح اصول کافی هم می‌توانیم استفاده کنیم.

این پژوهشگر فلسفه با اشاره به اسفار ملاصدرا گفت: ملاصدرا هم مثل سایر عرفا چهار سفر عرفانی یعنی سیر من‌الحق‌الی‌الحق، سیر من‌الحق‌الی‌الحق، سیر من‌الحق‌الی‌الحق و سیر من‌الحق‌الی‌الحق را پذیرفته است. بحث ارتباطات در دنیای امروز، سفر چهارم است با این تفاوت که مبانی ارتباطات مدرن سوژکتیویته و هیومنیزم است.

خسروپناه در ادامه نشست پس از طرح این مقدمات به ارائه بحث اصلی خود که بیشتر مرتبط با مباحث ارتباطات بود پرداخت و توضیح داد: این بخش از بحث جزو تخصص من نیست و بیشتر مربوط به اساتید حوزه ارتباطات است به همین خاطر از اساتید حاضر در نشست درخواست دارم اگر نقدی دارند مطرح کنند.

وی افزود: رویکردهای مختلفی نسبت به ارتباطات وجود دارد: عده‌ای نگاهشان به ارتباطات فرایندی است؛ به این معنا که ارتباطات را فرایندی می‌بینند که در آن فرستنده پیامی را از طریق یک رسانه به گیرنده با هدف تأثیرگذاری ارسال می‌کند. عده‌ای دیگر به ارتباطات نگاهی ساختارگرایانه دارند و ارتباط را یک کنش اجتماعی مطرح می‌کنند که از واقعیت به مبادله معانی می‌پردازد. دسته سوم افرادی هستند که نگاه پسا ساختارگرایانه دارند و از نظر آن‌ها ارتباطات به معنای رابطه «انسان است با» انسان یا انسان با حیوان یا انسان با ماشین است که عمدتاً نگاه این پست مدرن‌ها، رابطه انسان است با انسان.

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، ضمن طرح سؤالاتی گفت: آیا ارتباطات فقط به حوزه بلاغت ارتباط پیدا می‌کند؟ خیر. آیا ارتباطات فقط به علوم اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند؟ باز هم جواب خیر است چون ارتباطات یک بحث میان رشته‌ای است. ارتباطات، امروز بسیار مصرف‌کننده و یک دانش چندرشته‌ای است. از روانشناسی، جامعه‌شناسی، نشانه‌شناسی، فلسفه و امثال این‌ها بهره می‌برد و استفاده می‌کند. هدف ارتباطات اثربخشی است و حقیقت ارتباطات برای این است که بتوان روی بینش، منش و کنش مخاطب اثر گذاشت. هدف بزرگتری که ارتباطاتی‌ها دارند این است که یا می‌خواهند جامعه را به

توسعه و پیشرفت برسانند یا به انحطاط سوق دهند پس به این ترتیب دانش ارتباطات، یک دانش خنثی نیست و قطعاً هدف دارد به عبارتی عملیات ارتباطات به عنوان یک فکت یا دانش ارتباطات به عنوان یک دیسیپلین خنثی نیست. خسروپناه گفت: ارتباطات در حکمت صدرایی مابهازای خارجی ندارد اما منشأ انتظار خارجی دارد و براساس حکمت نوصدرایی مخصوصاً بحث علامه طباطبائی، ارتباطات در دنیای مدرن یک اعتبار بعدالاجتماع است، یعنی باید اول اجتماع شکل بگیرد و بعد ارتباطات به نحو معقول ثانی فلسفی اعتبار بشود. در حکمت صدرایی، مبانی صدرا اگر کاربست در ارتباطات پیدا کند، ارتباطات فقط اعتبار بعدالاجتماع نخواهد بود، هم اعتبار قبلالاجتماع خواهد بود و هم اعتبار بعدالاجتماع، یعنی حتی اگر یک فرد حضور داشته باشد و جامعه شکل نگیرد، باز ارتباطات براساس کاربست مبانی صدرایی، معنا پیدا می کند اما اگر ارتباطات را به معنای پست مدرن در نظر بگیریم، صرفاً اعتبار بعدالاجتماع است و به همین دلیل آن را جزو حوزه علوم اجتماعی قرار می دهند.

نویسنده «دین‌شناسی» تصریح کرد: متأسفانه در دانشگاه های کشورمان دیدگاه های مختلف نقل می‌شود اما جسارت اندیشیدن، تولید و زایش نداریم، البته این نداشتن تولید به ناتوان بودن ارتباط ندارد چون هم دانشجویان مستعد داریم هم اساتید نخبه و کاربلد ولی جهت گیری اکثر مباحثمان این است که نظریات دیگران را نقل کنیم اما برای اینکه بخواهیم با میراث اسلامی خود به تولید برسیم کمتر وقت گذاشته می‌شود و گاهی حتی وقتی موضوع تز دکتری هم می‌شود، به سختی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

وی در ادامه پس از طرح مباحث هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی از دیدگاه ملاصدرا به مبحث زبان‌شناسی از دیدگاه ملاصدرا پرداخت و گفت: از نگاه ملاصدرا، زبان یک نهاد اجتماعی و هویت جمعی است و در این دانش پیوند وثیقی بین لفظ و معنا وجود دارد. یکی از کارکردهای زبان، انتقال معناست اما ارتباطات نباید فقط کار انتقال معنا را انجام دهد و کارکردهای دیگری هم دارد. اگر ما کارکردهای مختلف زبان‌شناسی را بپذیریم، موضوع اصالت متن یا مولف مطرح می‌شود. ملاصدرا در مقابل افرادی که اصالت را با متن یا مولف می‌دانند، می‌گوید اصالت با متن، مولف و مخاطب است و مفسر باید تابع این مثلث سه ضلعی باشد. به این ترتیب با این سه ضلع کاربست ارتباطی زبان‌شناختی حکمت متعالیه به دست می‌آید. خسروپناه در پایان مجموع مباحثی را که طرح کرده بود جمع‌بندی کرد و گفت: جمع بندی بحث من اینگونه می‌شود که ارتباطات یک دانش خنثی نیست، از مبانی خاصی بهره می‌برد و یک دانش میان‌رشته ای و مصرف کننده است. علاوه براین، مبانی تأثیرگذار ارتباطات را نباید فقط در حکمت صدرایی جستجو کرد بلکه باید در علوم صدرایی و اسلامی جستجو کرد -البته حکمت صدرایی به خصوص اسفار اربعه نقش به سزایی در این عرصه دارد- اگر این مبانی کاربست در ارتباطات پیدا کند، می‌توان ارتباطات اسلامی را تعریف کرد. ممکن است به لحاظ شکل متفاوت باشد اما قطعاً پسامدرن نیست چون باید نگاه رئالیستی به ارتباطات داشته باشیم و با این تفسیر می‌توان دانش ارتباطات را به دو دسته سکولار یا اسلامی تقسیم کرد. در ادامه این مراسم، نکوداشت مرحوم استاد حسین قندی و برخی استادان ارتباطات برگزار شد.